


نجمه

۲۰۰ • ۱۳۲۹

از شیخ کاغذی  اجریکا

شماره نهم ماه رمضان

حضرت مندرجا

- ۱ لوح مبارك برای منشی انجمن تیان دنیا و مدیر جویدیه ستر گراهام پول در ادین بوریغ اسکاتلند
- ۲ لوح مبارك برای اعیان الهی و اما، رهن در اسلنگو استورنگات آلمانی
- ۳ ترجمه نهمین کتاب الهی از استوت گارت آلمانی
- ۴ ترجمه مریضه ستر و سس و پهلوسه هر شکل از استوت گارت آلمانی
- ۵ اخبار از پورت سعید مصر بقلم جناب آقا میرزا احمد سولیب
- ۶ اخبار اخیر از سافیت حضرت مراد العالم عبدالبهاء
- ۷ مقاله از دین نور بقلم جناب آقای بزرگ زاده

Address: Najme Bakhtar, P. O. Box 283, Chicago, Ill., U.S.A.

صفحة اول ۱
جلد چهارم ۴
شماره نهم ۹
قیمت اشتراك ۲۰
اوت ۲۰

PAGE ۱
VOL. IV
No. 9
سالی دوازده قران
ماه کمال ۷

مجله اختر

۲۰ ۱۳۲۹

این مجله بوجه تاسیخ بهائی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت آزادی در مسائل بیگانه بشر و وحدت ادیان و انتشار علوم و فنون این قرن و تربیت اطفال و پیشرفت امر حضرت بهاء الله در اطراف خرد و توضیح حقائق این دین غریب خواهد نوشت و مقالات مفید که موافق سبک اداره است قبول و نشر خواهد گردید

لَوْحٌ مِّبْرَکٌ

اسکاتلند این بورغ منشی انجمن تیاروفیها و مدیر مجله
ستر گراهام پول علیه بهاء الله الأبهی
هو الله

دوست عزیز محترما نامه شما به آقامیرزا احمد رسید من نیز مطالعه کردم از مضمون خوشنودگی حاصل شد زیرا دلیل بر بلندی همت و نیت خیر بود مقاله که در مجله تیا سفیها درج کرده بودی دلیل بر نیت خیرات انسان عاقل و کاتب ماهر مقالاتی مینگارند که تا بخش ابدیت و فراتر از کلی تا اینکه جمیع عالم انسانی توجیه مملکت رحمانی نمایند و سنجار حلیه از حقیقت انسانیته مانند سراجهای نورانی ساحل و لایع گردد امروز عالم انکساج محتاج تعالیم است که این عصر و فرد این فرزند است زیرا مدنیت مادی طبیعی ترقی فوق العاده نموده ولی مدنیت الهیه بکلی فراموش شده بحال آنکه مدنیت الهیه مانند سراج است و مدنیت مادیته مانند سراج این زجاج بدون آن سراج تابکات پس باید که بشید تا سراج آسمانی برافروزد و عالم اخلاق روشن گردد و رضائل نامتاهمی که زینت حقیقت انسانی است چون گوکب

در خشنود جلوه نماید عالم طبیعت جولا نگاه حیوان است چون نظر بر هر حیوانی عانی ملاحظه میکنی که مواهب عالم طبیعت در آن حیوان در نهایت کمال جلوه نموده که از برای انسان شاید متیسرنیت مثلا ملاحظه نما که مرغ خوش الحان در نهایت حسن و جمال در فرزند کوی بر اعلی شاخه درخت آشیانه نموده این که فی الحقیقه بر قصر مملوک شرف دارد هوا در نهایت لطافت منظر در غایت جلالت آب در نهایت عذوبت که هار سبز و خرم و جمیع جزئیها در دشت صحرا دولت و ثروت این مرغ از هر خوبی بخراهد دانه چند نه زخمی نه مشق نه فکری نه تدبیری نه حرفی نه الهی نه حسرت و آسنی شب در روز در این لاله و آشیانه نهایت سرور کامرانی مینماید پس ثابت شد که مواهب عالم طبیعت در عالم حیوان جلوه اعظم دارد

اما این انسان بیچاره گری آفره گری بیمار گری ناتوان گری گرفتار گری در فقر و فاقه گری در حال خطرناک شب و روز میکوشد تا یک بار انسان بدست آرد پس قیاس نمائید چه قدر فرق میان حیوانات و حیوان است لریه با واقع شد که مواهب عالم طبیعت در عالم حیوان بیشتر جلوه دارد اما انسان هر چند از این مواهب طبیعی بهر تمام و نصیب میفوزند

۲
 لکن در عالمی نظیر الطاف بی پایان است و مشکله نوحه حقیقت
 است و آینه روشن جمال الهی و نظیر مواهب انشا و مطلع انوار
 الهی و درنده قوه قدسیه فی است که محیط بر جمیع کائنات است
 اینست که حقائق اشیا را کشف مینماید حکم بر طبیعت میکند
 و اسرار طبیعت را از حیرت کون به حیرت ظهور می آورد شوکت
 طبیعت را می شکند قانون طبیعت را منهدم مینماید نظام
 طبیعت را بهم میزند گوی در هوا پرواز مینماید گوی بر سطح
 دریا قافله و قافله میگذرد گوی در زیر دریا سمند براند
 جمیع اسرار مکنونه مستوره طبیعت را از حیرت غیب به حیرت
 ظهور می آورد این است که ماسخ قانون طبیعت و ماسخ
 نوامیس آن است و این قوه قدسیه محضه انشائی است
 و باین قوه معنویه از سایر حیوانات ممتاز مادام چنین قوه
 دارد باید نظیر مدنیت الهیه شود و مطلع انوار ابدیه
 گردد و مؤسس کالائت آسمانی شود و مروج تعالیم الهی
 گردد خدمت بعالی اخلاق کند جانها را مستبشر بشیرت
 الله نماید از نومیدی رهائی یابد و امید حیات ابدی جوید
 این است شرف و منقب عالم انشا این است سعادت ابدی
 عبد الباقی عباس

و فارحبت الله چنان شعله زند که اطراف را برکت آورد
 آن نفس مبارکه هر یکی شمع روشن گردد و نور هدایت
 باطراف بخشد جلب مینماید علی اکبر و جناب میرزا الطاف الله
 را محض دلجوئی یاران و تبلیغ اشتیاق قلبی عبد الباقی
 و بیان مراتب قوه میثاق الهی و اهمیت مرکز عهد
 بان صفحات میفرستم این دو نفس بسیار مبارک کند
 یقین است از ملاقات آنان یاران فرخ و سروری
 حاصل خواهد شد این را بدانید که امروز اعظم امور
 اطاعت مرکز میثاق الهی است و قوه میثاق آفاق الهی است
 آرد و روح میثاق زنده نماید پس جمیع اجابا بیدد
 جمیع محافل و مجامع ذکر میثاق کند و آهنگ میثاق
 بلند نمایند و علیکم البهاء الایح عبد الباقی

عَرِضَةٌ

ترجمه عرضیه اجبای المان از استوت کارت
 مورخه ۲۴ جون ۱۹۱۳
 الله اهی

حضور مقدس حضرت عبد الباقی

ای میرکای عزیز و ربیب محراب ماها که این عرضیه را با اسم خود
 امضا مینمایم در نهایت محبت و افتاد در بیت مستر و مس
 هر یک جمع شده در صیافت نوزده روزه با هم شریک و کام
 قلوب ما از محنویت و تشکرات غایات مبارک شارات
 و چون لوح مقدسی که از حضور یافتن این بندگان بوطه
 او امیر زاعلی اکبر و فسحانی و اقا میرزا الطاف الله حکیم نازل شده
 قرأت مینمایم از نهایت بی لیاقتی خود شر سار میگردیم
 زیرا خودمان را سزاوار این همه مرح و عنایت نمیدانیم لهذا
 از بارگاه احدیت رجاسینمایم که ما را قوت و قدرتی بخشد
 تا روز بروز بهایان کاملتر و خوشتر گردیم و بیان

لَوْحٌ مِّبْرَکٌ

استوت کارت و سکن جهان الهی و اما در حین علم و عین لایحه الایح
 هو الله

ای پسران محترم و دختران عزیز عبد الباقی روزگار پیرا که با شما
 محرم و همراز بودم چون بخاطر گذرد دل بلبختر از آید چه
 روزهای مبارکی بود و چه شبهای روشنی ابد افرا موش
 نمیشود هر صبحی یاد شما از بسز بر خیزم و هر شامی در
 تضرع و زاری بملکوت ابروی آهنگی برانگیزم و شما را بنامید و توفیق
 خواهم امیدوارم که در استوت کارت را بابت آیات بلند گردد

تکریم کنیم که چنین برادران عزیز و مهربانی مانند آقا
 میرزا علی اکبر و آقا میرزا لطف الله حکیم باین شهر و قریه
 این دو برادر خلیه خوب تبلیغ نمودند و ما هم وقت
 انهارا فراموش نخواهیم نمود امروز آقا میرزا علی اکبر
 و آقا میرزا لطف الله چای که از حضور عنایت شده
 بود آوردند و در این ضیافت هر فردی سبب سرور فرج
 گنل گردید امة الله بسر جریا استابر و حسن
 و هدویک و ستر هر یک سرود اسم اعظم را خواندند
 و کل قریه الهی و جنود سماویها صلوات نمودیم الحمد
 لله که ما هاندای حضرت بهاء الله را شنیدیم و از
 روی فضل بعض ما را در ملکوت خود داخل نمود
 محبت و خلوص صمیمی خود بحضور باریک اراده داشته
 و همیشه جای تائید و توفیق مینمایم
 اطفال خاضع و خاشع شما

و تقوی که در ایام توقف مهمان ما شدند فی الحقیقه
 بواسطه این دو نفس حضرت عبدالعزیز چنانچه
 باید و شاید حیاتی در نظر ما مجسم نمودند
 در قلب من فار عبت الله و محبت بعالما است که در اشتغال
 است و امید چنان است که بتائیدات جمال باریک این
 شعله شعل بنیگن گردد در دوشب ۲۴
 ۲۵ ماه جون دوستان الهی دعوت بقیامت
 ۱۹ روزه نمودیم و چای عنایتی که بواسطه برادران
 ایرانیان آورده شده بود در آن دو مجلس صرف
 شد مویث فرح و ابتهاج گردید جمیع باریک که عرض
 جوف را امضا نموده اند از این چای عنایتی نوشیدند
 و لهذا فی الحقیقه همه ماها مهمان حضرت عبدالعزیز
 بودیم و اوقات بل به یاد باریک گذرانیدیم از آن
 جای قدری بامه الله در کسین برای احباب
 سنگین و هم چنین به قنول شورا داده شده
 در نهایت خضوع
 سز و سس بر کمل

عزیزت

ترجمه عزیزت سز و سس و بلیلم هر یک از اجابرا الان
 از استوت کارت مورخه ۲۴ جون ۱۹۱۲
 الله باری

اجابا از یوت سجد

تقلید جناب آقا میرزا احمد شهاب علیه السلام
 امروز صبح که ۳ جون است بر حسب امر باریک
 چای در حضور اقدس در منزل جدید صرف شد
 اجابا حاضر بودند اول شرحی از سفر آمریک بیان
 نمودند که ۳ دفعه به شیکاگو چند
 دفعه به نیویورک ۳ دفعه به واشنگتن و
 جاهای دیگر رفتیم هر جا وارد شدیم دیدیم اجابا الهی
 موجود در هر شهری نفوذ کلمه الله مشاهده گشت
 وقوع ملکوت ابری ظاهر و باهر بود
 بعد در حضور از بیت بیرون آمیم و بطرف دریا

ی عجیب قلبی من فکر آن محبوب و خا همیشه قلب من ملو
 از سرور و فرح دارد و قانع اسبوع و ایام گذشته
 اعظم دلائل محبت لا یحصى باریک است در حق این بندگان
 حضور باریک دیدیم ماها سرور کاینه بنشیند
 زیرا جلالت و عظمت تورا فقر و ناچیزی خود را درک
 نمودیم ولی الحمد لله که مرا مؤید باین نمود که حیات خود را
 وقف امرت نعیم و در خدمت امرسای و در جانیفتن
 در طریق عالم است بگویم و هم چنین همیشه تورا تشکر
 مینمایم که از راه فضل و محبت آقا میرزا علی اکبر و آقا میرزا
 لطف الله را ارسال داشته و من بی نهایت مسروم

از آنروز

مقاله است بقلم جناب آقای بزرگ زاده .
 بخاطر دوام در اوقاتی که در خاور زمین توقف ایشم هر وقت
 که نمم جدید نجف باختر بدستم میرسد میل بیشتر مخصوص
 در این بود که بدانم باختر باین درجه حالیه و ارتفاع
 الله در این کشور چه درجه است این بود که اول مقالار اربعه
 باین مطلب اقرانت می کردم حالاکه بواسطه ایام اقامت
 در این ارض ارتفاع و عظمت امر را برای العین مشاهده کردم
 ولم یخاهد چند کلمه در خصوص مطلب فوق الذکور بکارم
 تا قارئین آن جریده عموماً و اخصاً این خصوصاً از وضع محال
 و محال برآنی که در این شهر اتر است بهتر اطلاع بیابند و
 بدانند که امر الله قافی با قاف عالم را فرار گرفته و امروزه تقریباً در
 تمام شهرها کوه ارض محال و محال را این امر عظیم که مقصدش فقط
 محصور در اتحاد نوع بشر است دائر و منعقد است

پیش از شروع بمطلب چند کلمه بعنوان مقدمه لازم است
 ذکر شود: - چون از شرق بحال ایالات متحد آمریکا
 وارد شوم اول شهریکه در ساحل شرقی این مملکت و سیع نوم
 دار میشود بندر بزرگ نیویورک است که در عظمت پیر از لندن
 پایتخت انگلستان آمد سار شهرها دنیا است از نیویورک
 یک قرن سریع التیر گرفته پیر از سه روز و دو شب
 مسافت قطع مسافت ۲۳۰۰ میل ۵۰۰ فرسنگ تورنجا
 در کنارک شهری که از استنشاق هوای لطیفش روح و جانانازی
 شود توقف میکند این شهر در کنار یک در خانه که در بزرگ
 با ندازه سفید رود خودمان است واقع شده ارتفاع آن
 از سطح دریا ۱۴۴۰ ذراع است که تقریباً ۳۸۰ ذراع زیادتر
 از ارتفاع طهران است هوایش در زمستان در سردی سهولت
 نامی بجدان دارد یعنی غالب میزان البرز ۴۰۸۱۰ الی ۱۲

درجه زیر صفر است و در تابستان در کمال اعتدال و خورشید
 میتوان گفت مثل دماوند یا جاجرود طهران است در

مشی میفرودند تا رسیدند به مجسمه دلپس قدی انجا
 ابتاده تماشای امواج دریا را نمودند در رجعت در ایوان
 هونیکه در جلوی دریا ساخته شده جالس شدند و دیدن
 نظری انداخته فرمودند: «عظمت امر الله عظیم است
 دریا آیه اعظم امر الله است که در ذات و بذات خودش پر
 موج است در وقتیکه در نهایت اوج است با و طعنا جنب
 و شمال از امواج می آورد و این خلق میخواهند حول آن سوار
 به بندند چه قدر قلعه های سازند چه برجها چه
 بارها چه سنگها سازند ولی آن دریا هیچ موج نمیزند
 هیچ موج نمیزند هیچ موج نمیزند و همه اینها را از میان می برد
 و اثر از این سنگها باقی نمی گذارد امر الهی هم همین طور
 است بذاته لذاته مثل محیط اعظم امواج دارد طوفان دارد
 حرکت تیار دارد چه بسیار نفوس چه بسیار ام چه بسیار
 مثل که میخواهند امر الله و از علویت باز دارند از نفوذش
 باز دارند از ترقی و حرکتش باز دارند ولی امر الله بر همه
 اینها غالب میشود چقدر تو دریا خس و خاشاک
 میبینند ولی دریا همه اینها را زایل نماید لهذا دریا اعظم است
 امر الله است سلاطین شرق بجمع قوا میخواهند مقاومت نمایند
 الهی را بکنند کوانها؟ بکارفتند؟ این همه مجتهدین
 خواستند مقاومت نمایند چه نتیجه بخشید اینست که
 سفیراید الحق یعلو ولا یغلب علیه»
 بعد از هونیک بیرون تشریف آورده بسمت بیتک
 رجعت فرمودند

نجف باختر : در این مقام این دو بیت درج می نمایم
 لیس الله انوار لسانه : بها علی القلوب المذلومه
 یبید الخالدون لظنونه : و یاتی الله الا ان یتیمه
 (متمصلی بغدادی)

اخیرا خیره

از کتاب دوستان مستفاد میشود که حضرت مولی العالم
 به اسماعیلیه و بعد به رمله تشریف بردند .

این صورت کنه این شهر ثابت است حاج بر ملاونینند
 چه که در روز میزان الهی ۴۰۰ هـ و در شب ۲۰
 درجه میرسد از این جهت است که این شهر در تابستان کمتر
 سیاحت این مملکت است در خیابانها و سبزه ها این شهر شب
 و روز اتصالاً و گویان برقی در حرکت است عمارت اولی این
 جز معدودی همه دولی که طبقات و از این جهت
 بیشتر شباهت بشهر هاشرق دارد کنه این شهر که مرکب
 از هفتی است قریب ۲۵۰۰ نفر است حال که فی الجمله
 نوضع این شهر و سبق شیم اگر اسم آن ذکر شود در
 در نظر خواننده بی معنی نخواهد بود اسم این شهر در تورات
 است و پای تحت امالت کلورادو است
 در گوشه شرقی شهر دنو در کوهی شریفین ۱۸۵
 یکمات عمای است که در روزها جمع از ساعت سه
 بعد از ظهر تا ساعت شش جمع روحا انارجی و انجا
 از پیش اعضای آن بر هر ناظر شاهد و محسوس است در
 و منعقد میشود پروگرام این مجمع را می کارم تا علم شود
 این چه مجتمعی است اولاً باب دخول این مجمع بر هر کسی
 مفتوح است و از این آن از ملل مختلفه است در حین
 ورود اول دهان خود را بزرگ اسم اعظم الله برای مطهر
 ساخته و در جا خود نشسته مجلس غالباً بید از مناجات
 های جمال باریک مفتوح می گردد بعد از آن هر کس
 لوح نازه از حضرت مولی الوری داشته باشد قرائت
 می کند پس حضار هر کلام یک چند سطر از کلمات
 مکتوبه بترتیب قرائت میکند بعد از آن چند دقیقه
 سکوت تامی مجلس فرمای گیرد و هر کس بزرگ اسم
 اعظم شغول میشود و بعد باب صحبت برای بتدیبا
 باز میشود از هر قبیل سخن برای اقناع سید همان
 میاید در پایان مجلس دو باره مناجات تلاوت
 می شود و بروج زیارت جمال باریک ختم می گردد
 اینست پروگرام این مجلس و هر هفته در خانه ستر

۵
 رابرت و خانمش منعقد میگردد
 مجلس دیگری که در این شهر منعقد میشود در گوشه غربی
 در کوهی ولتن در خانه مستر یگین نیک عمر ۵۳۶ این
 شخص اصلاً از اهل آلمان است ولی مدت در این
 مملکت اقامت جته و یک از اجای بسیار مشعلات
 و هر هفته در شب سه شنبه محفل تبلیغ در خانه
 اش منعقد می شود پروگرام این محفل را تقریباً مثل
 محفل روز جمعه است جز اینکه چند هفته است
 بعلاوه چند صفحه از هفت وادی تلاوت میشود
 مجلس عدیه دیگر هم در امتداد این خط شرق
 و غرب در این شهر منعقد میشود که در همه اینها
 نعمت یابها و الایهای بلند است و یکی مجلس بسیار
 هم در ایام که دور میزند از شمال گرفته روایت
 سیر کرده و در گوشه غربی هر ماه دوره خود را
 خاتمه می بخشد آن مجلس مجلس ضیافت است
 در این مجلس احیاء و انیاز همه در یک جا جمع شده
 پس از تلاوت آیات و مناجات و سرودهای
 اری و موزیک جای و شربت و شیرینی و بستنی
 صرفی شود هفته پیش این مجلس در خانه
 ستر رابرت منعقد شد و جمع کثیری از اجناس و غایب
 حضور داشتند مسئله تناخ بیان آمد فانی
 سواد نطق باریک که در لندن راجع به همین سؤالیان
 شده بود همراه داشتند و برای حضار قرائت کرد
 بی اندازه در حاضرین یعنی انیاز اثر کرد از هفته
 بیا است مجلس ضیافت در نقطه شمالی این شهر
 در کنار دریاچه بر کله که یک از نزلهت کاههای
 قشنگ این شهر است منعقد گردد اینست شمه از
 کیفیت اتیان امراته وضع محفل و مجلس و این شهر که در این
 گوشه مغرب زمین واقع شد تحت ابرج باطن از طرف احباب نور
 به حضور عموم بهایان مشرق ابلاغ میدارد
 نجم خاخر است جنب بزرگ زاده بسیار بسیار خوش آمدید